



پژوهش‌کده فتنه اسلام

از کاوه تا کسروی؛

تأمل دربارهٔ دین و نقد باورهای دینی ایرانی‌ها

دکتر علیرضا ملائی توانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵

از کاوه تا کسروی؛

تأمل درباره‌ی دین و نقد باورهای دینی ایرانی‌ها

نوشته دکتر علیرضا ملاتی‌توانی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۵۳

تومان ۲۴۰۰۰

کتاب حقوق بین الملل پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید باهنر، خیابان رستگاران، شهرور شرقی، شماره ۹

تلفن: ۸۸۶۸۶۱-۳ نمابر: ۸۸۶۷۶۸۶۰-۶۰

ملاتی‌توانی، علیرضا، ۱۳۴۹ -
از کاوه تا کسروی؛ تأمل درباره‌ی دین و باورهای دینی ایرانی‌ها/ علیرضا ملاتی‌توانی.

تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.

۴۰۸ ص.

پژوهشکده تاریخ اسلام؛ ۵۳.

۸-۲۵-۷۳۹۸-۶۰۰-۹۷۸: ۲۴۰۰۰۰ ریال

فیبا

کتابنامه: ص. ۳۸۵ - ۴۰۵.

نمایه.

کسروی، احمد، ۱۲۶۹-۱۳۲۴ - نقد و تفسیر

آینده (مجله)

کاوه (روزنامه)

ایران‌شهر (مجله)

اسلام - تجدید حیات فکری

اسلام - تجدید نظرطلبی

اسلام - ایران - پوشش مطبوعاتی

۱۳۹۵ ۱۳۲۹/۸

۲۹۷/۴۸۶

۴۴۱۳۱۲

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. - جامعه‌ی اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه‌ی تاریخی با ابعاد - عصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه‌ی تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده‌ی دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه‌ی این تاریخ - علم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌ی - گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه‌ی پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ذاتی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور - تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پسرزمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه‌ی تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده‌ی همکاری با همه‌ی کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه‌ی ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه‌ی همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی، حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حل پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد. این مرکز، هر چند با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه‌ی پژوهشکده، تأسیس «دانشنامه‌ی جغرافیای تاریخی جهان اسلام» است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرد. استنادات و بررسی محققان به منابع را آسان کند. پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام به وسیله‌ی پایگاه اینترنتی خود با همه‌ی پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه‌ی فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب دهنده‌ی فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. بافتار شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس دهنده‌ی همه‌ی آثار موجود در زمینه‌ی تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه‌ی تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه‌ی تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
بخش اول: نقد باورها و رفتارهای دینی ایرانی ها از نگاه دو مجله ی کاوه و آینده	۲۳
فصل اول: مجله ی کاوه و نقد رفتارها و باورهای دینی در ایران	۲۵
درآمدی به موضوع	۲۵
الف) خط مشی کاوه: غرب گرایی تمام عیار	۲۷
ب) نقد وضع موجود در حوزه ی دین و باورهای مذهبی ایرانی ها	۳۴
۱. وضعیت زن ها و لزوم تربیت آنها	۳۴
۲. پالان کج: گریاندن مردم و سوازی بر گرده ی آنها	۳۷
۳. آخوندهای دنیادوست و دین گریز	۳۹
ج) تأملی در اصلاح وضع موجود	۴۲
۱. لزوم برابری فرقه های مذهبی در ایران و بازاندیشی در باورهای دینی	۴۲
۲. ضرورت ظهور اصلاحگرهای بزرگ	۴۵

۱. ۲. سیداحمدخان، نابغه‌ی هند و لزوم ظهور چنین مردهایی در ایران ۴۵
۲. ۲. لوتر، نابغه‌ی مغرب زمین ۴۷
۳. محورهای اصلی اصلاح دینی ۴۸
۴. ضرورت اصلاحگری در اسلام و ویژگی‌های اصلاحگرها ۵۱

فصل دوم: مجله‌ی آینده و بررسی انتقادی سنت‌ها و باورهای اجتماعی ایرانی‌ها

- ۵۵
۱. آمدن به موضوع: رویکرد روش‌شناختی ۵۵
۲. جهت‌گیری و خط‌مشی مجله‌ی آینده ۵۶
۳. مسائل زن‌ها ۵۷
۱. مشارکت زن‌ها در عرصه‌ی سیاست ۵۸
۲. تأملات زهرا آج‌رده‌ای، ایرانی‌با زن‌های اروپایی ۵۹
۳. تعلیم و تربیت زنان ایران ۶۲
۴. توصیف زن‌ها در قالب «مر» ۶۶
۵. در ستایش شیوه‌ی ازدواج دختران ۶۷
۶. سیدجمال و دفاع از علم و آزادی ۶۸
۷. کاپیتولاسیون مبانی شرعی دارد یا سیاست؟ ۷۱
۸. فلسفه‌ی شراب در اشعار خیام ۷۲
۹. اقتراح و انتقاد: نقد رفتار اجتماعی ایرانی‌ها ۷۳
۱. سرکردن با نیک و بد ۷۴
۲. دروغ مصلحت‌آمیز ۷۷

بخش دوم: مجله‌ی ایرانشهر: آسیب‌شناسی دینی و آرمان عرفان‌گرایی در ایران

- ۸۱

فصل اول: زندگی ایرانشهر و تأملات او درباره‌ی ایران

- ۸۳

الف) شرح حال حسین کاظم زاده از زبان خود او	۸۳
ب) خط‌مشی مجله و راه‌های نیل به آن	۸۶
۱. تجدد و تکامل	۸۸
۲. دیکتاتور مصلح: ابزار اصلی پیشبرد اصلاحات	۸۹
۳. انقلاب‌های سه‌گانه	۹۱
۱. ۱. انقلاب خونین و لزوم تفسیرهای عقلی از احکام دین	۹۳
۲. ۲. پهنه‌ی رستی مزمین ایرانی‌ها: سخنی در نقد نظریه‌ی انقلاب خونین	۹۵
ج) آسیب‌شناسی جاه‌مندی ایران و دغدغه‌های اصلی ایرانشهر در حوزه‌ی دین	۹۶
۱. اصلاح سامان‌داری و بسیادین معارف در ایران	۹۸
۲. توسعه‌ی فساد اخلاقی در میان جامعه‌ی ایران	۱۰۱
۳. پیش‌درآمد جنگ با فساد اخلاقی	۱۰۴
۱. ۲. ۱. وعظ و تبلیغ	۱۰۵
۲. ۲. ۲. نشر رساله‌ها و کتاب‌های اخلاقی	۱۰۶
۳. ۳. ۱. انجمن‌های علمی و اخلاقی	۱۰۷
۴. ۳. ۲. تشکیل گروهی از معلم‌های بااخلاق	۱۰۷
۵. ۳. ۳. تئاترها و سینماها	۱۰۷
۶. ۳. ۴. مکافات و مجازات اجتماعی	۱۰۸
۷. ۳. ۵. حفظ صحت و ورزش بدنی	۱۰۸
۸. ۳. ۶. جلوگیری از مضرات بیکاری	۱۰۹
د) مسئله‌ی زرها و وضعیت دخترهای ایران	۱۰۹

فصل دوم: مبانی و اصول اصلاح دینی از نگاه ایرانشهر: از نفی وضع موجود تا ترسیم

وضع مطلوب	۱۱۹
درآمد	۱۱۹
الف) انقلاب دینی و نفی وضع موجود	۱۱۹
۱. تشیع: اسلام ایرانی یا تجلی روح ایرانی؟	۱۲۰

۱۲۳	۲. انقلاب دینی بر بنیاد تشیع
۱۲۷	ب) دین و روحانیت
۱۲۷	۱. تلاش برای جلب همکاری علما
۱۲۸	۲. دین و روحانیت در غرب
۱۳۱	۳. دین و روحانیت در اسلام
۱۳۵	۴. نقش دو طبقه روحانی و دیوانی در عقب ماندگی ایرانی ها
۱۳۸	۵. روحانیت اصیل و روحانیت دین فروش: هشدار به روحانیان صالح
۱۴۲	۶. علم اسلامی و علم غیراسلامی: نقد رفتار عالمان اسلامی از زبان سیدجمال الدین اسدآبادی
۱۴۵	۷. متأسفانه روحانیت در ایران و عثمانی
۱۴۷	ج) ترسیم وضع مطامع
۱۴۸	۱. دین و دیانت نباید هفت باشند
۱۵۰	۲. دین چیست و دین مظهر کدام است؟
۱۵۳	۳. دین و ایرانیت
۱۵۵	۴. توحید و آینده دینی بشر
۱۵۹	۵. عشق به خدا، محور کائنات
۱۶۱	۶. تأکید بر فضیلت اخلاقی
۱۶۱	۷. تمدن و ترقی: حرکت به سوی جامعه ی مطلوب
۱۶۴	د) جمع بندی و ارزیابی نهایی
۱۷۳	بخش سوم: احمد کسروی، از نقد دین ها تا براندازی آیین ها
۱۷۵	فصل اول: زندگی و آثار کسروی
۱۷۵	الف) زندگی کسروی از نگاه خود او
۱۷۵	۱. تولد، تحصیلات و خانواده
۱۷۷	۲. در کسوت روحانی و حافظ قرآن

۱۷۹	۳. علاقه‌مندی به دانش‌های جدید و تحول در اندیشه
۱۸۱	۴. از فعالیت‌های سیاسی تا فعالیت‌های قضایی
۱۸۴	ب) تجربه و عمل: گذار به سوی یکپارچگی ملی در سایه حکومت رضاشاه
۱۸۸	ج) تألیف و تحقیق
۱۹۰	د) کسروی و طرح دغدغه‌های فردا
۱۹۳	هـ) کسروی و رضاشاه: رویارویی با کمپانی خیانت
۱۹۹	و) راز دفع کسروی از رضاشاه
۲۰۱	ز) نقد مواضع دولت بعد از شهریور سال ۱۳۲۰
۲۰۲	ح) سیطره‌ی کمپانی خیانت بر وزارت فرهنگ
۲۰۵	ط) قتل کسروی
۲۱۰	ی) آثار کسروی به ترتیب روفت‌ها
۲۱۵	فصل دوم: روش‌شناسی دینی کسروی
۲۱۵	الف) رویکردهای کلان به روش کسروی و دشواری‌های پژوهش درباره‌ی او
۲۱۸	۱. آشنایی با مکاتب فکری
۲۱۹	۲. خردگرایی
۲۲۳	۳. نگاه عمل‌گرایانه و پراگماتیستی
۲۲۴	۴. تعهد
۲۲۵	۵. انسان‌شناسی کسروی
۲۲۷	۶. کسروی و اندیشه‌ی ترقی
۲۲۸	ب) روش و منطق کسروی در تأملات دینی
۲۳۱	۱. وجه تمایز کسروی با اصلاح‌گرهای دین
۲۳۵	۲. رویکرد نوسازانه‌ی کسروی به اسلام
۲۳۸	۳. روش و آرمان دینی کسروی از زبان خود او

فصل سوم: آسیب شناسی ایران: تأملات کسروی درباره ی عقب ماندگی ایرانی ها

۲۳۹	
۲۳۹	۱. کسروی و نظریه های مختلف درباره ی عقب ماندگی ایران
۲۴۰	۲. ناآگاهی توده ها و آرمان کسروی
۲۴۱	۳. غربگرایی و اروپاییگری
۲۴۶	۴. تأملی در عوامل پسرفت و پیشرفت توده ها در تاریخ ایران
۲۴۷	۵. انواع اسلام و نتایج حاصل از آن ها در روند تاریخ ایران
۲۵۳	۶. آلودگی ها

فصل چهارم: تلاش برای براندازی کیش های موجود

درآمد

۲۵۵	۱. پیام به «نقد» نقدی بر ایمان و ادیان موجود و دعوت به یکتاپرستی
۲۵۸	۲. اسلام شاهراه حقیقت: دعوت جهانیان به اسلام
۲۶۰	۳. زرتشتیگری و نسبت اسلام و زرتشت
۲۶۲	۴. پندارها، موهومات و خرافه ها
۲۶۴	۵. باطنیگری
۲۶۵	۶. خراباتیگری
۲۶۷	۷. صوفیگری
۲۷۰	۷.۱. زیان های صوفیگری
۲۷۱	۷.۲. صوفیگری و آلودگی روان انسان: تضاد با اسلام
۲۷۳	۷.۳. ارزیابی نگرش های کسروی درباره ی عرفان
۲۷۷	۸. شیعیگری و مهدی گرایی
۲۸۲	۸.۱. خرده های کسروی به شیعیگری
۲۸۷	۸.۱. زیان های شیعیگری
۲۹۰	۸.۲. ملایان و شیعیگری
۲۹۱	۸.۳. تشیع و فرقه های دیگر: نقدی بر ایده های شیعه ستیزانه ی کسروی

۹. بهائیگری ۲۹۵

بخش چهارم: در تدارک پیامبری ۳۰۱

فصل اول: پاک دینی و باورهای آن ۳۰۳

۱. مبانی الزامات دین در زندگی بشر ۳۰۳

۲. ۱.۱. هر کس می دین مطلوب چیست؟ ۳۰۵

۳. ۱. پذیرش داوری خرد ۳۰۶

۴. ۱. دین و اتحاد ملی ۳۰۸

۵. ۱. نسبت دین و دانش و آموزش و سازگاری با دنیای امروز ۳۱۰

۲. بر انداختن بنیاد اسلام ۳۱۳

۳. نفی خاتمیت و زمان مناسب برای ظهور دین جدید ۳۱۵

۴. پاک دینی: دین جدید و جایگزین برای مادی موجود ۳۱۶

۵. نسبت اسلام و پاک دینی ۳۱۸

۶. باورهای پاک دینی در عرصه ی زندگی ۳۱۹

۱. ۶. خداشناسی ۳۱۹

۲. ۶. سامانمندی جهان و چگونگی یاری خدا ۳۲۰

۳. ۶. معنای پرستش ۳۲۲

۴. ۶. وحی یا فرهش ۳۲۳

۵. ۶. اعزام پیامبرها، جایگاه آنها و چگونگی شناخت آن ها ۳۲۵

۶. ۶. آخرت و جاودانگی: داوری و شفاعت ۳۲۶

۷. ۶. نیک و بد ۳۲۸

۸. ۶. نفی حق الهی حکمران ۳۲۹

۹. ۶. دستورها و توصیه ها ۳۳۱

۱۰. ۶. باورهای پاک دینی در حوزه ی اقتصاد یا دیدگاه های اقتصادی کسروی ۳۳۲

۱۱. ۶. باورهای پاک دینی در حوزه ی نظامی ۳۳۵

فصل دوم: کسروی و مقوله ی زن ها ۳۳۷

طرح مسئله ۳۳۷

الف) مسئله ی زن ها در مجله ی پیمان ۳۳۸

ب) مسائل زن ها در کتاب «دختران و خواهران ما» ۳۴۰

۱. حجاب یا رو گرفتن ۳۴۰

۲. رو گرفتن یک سنت باستانی ایرانی است - نه اسلامی ۳۴۲

۳. علت مخالفت با رو گرفتن ۳۴۴

۴. تحصیل و اشتغال زن ها ۳۴۶

۵. زناشویی و طلاق ۳۴۹

۶. زناشه بی نه کابین می خواهد نه جهاز ۳۵۰

۷. طلاق زناشه دلخواهانه باشد ۳۵۱

۸. خانه داری چه وری ۳۵۲

فصل سوم: ارزیابی نهایی و سری آثار منتقدان ۳۵۵

۱. نقدی بر اندیشه های کسروی ۳۵۵

۲. چرا کسروی به طرح دیان رسید پرداخت؟ ۳۷۱

۳. منتقدان دینی کسروی ۳۷۳

۳.۱. حاج سراج انصاری و مبارزه با کسر ۳۷۳

۳.۲. نبرد با بی دینی ۳۷۴

۳.۳. کسروی چه می گوید؟ ۳۷۵

۳.۴. کسر کسروی ۳۷۶

۳.۵. کج روی های کسروی ۳۷۷

۳.۶. آیت الله خمینی و کسروی ۳۷۷

۴. آثار دیگری که همان سال ها در نقد کسروی نوشته شد ۳۸۰

پیگفتار ۳۸۱

منابع ۳۸۵

نمایه ۴۰۱

مقدمه

از آغاز قرن نوزدهم با ورود مواج همگین مدرنیته‌ی غربی نه تنها صورت‌بندی و ساختار اجتماعی-سیاسی ایران بلکه، نظام فکری و فرهنگی جامعه‌ی ایران هم دستخوش تغییرات فراوان شد. این تغییرات که پس از جنگ‌های ایران و روسیه ابتدا خود را در قالب نوسازی و اصلاحات آشکار نمود، رفته‌رفته در متن جامعه و حکومت ایران شکاف‌های عمیقی پدید آورد. یکی از این شکاف‌ها نزاع روشن‌فکرهای غرب‌گرا با سنت‌گراهای دینی و غیردینی بود که بارزترین تجلی آن تلاش برای جدایی دین از سیاست، خرافه‌زدایی از مذهب و هماهنگ کردن دین با علم‌گرایی و علوم جدید بود. تلاش روشن‌فکرهایی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، سید محمدخان میرزا آقاخان کرمانی و زین‌العابدین مراغه‌ای از یک‌سو و اقدام متفکرهای روحانی و دین‌گرایی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ‌هادی نجم‌آبادی، نائینی و... از سوی دیگر گویای همین کشاکش‌هاست که به نحوی تا امروز ادامه یافته است. اما در این منازعات هرگز یک موازنه‌ی معقول و منطقی بین روشن‌فکرهای سکولار و نواندیشان دینی پدید نیامد و همواره فشار جریان‌های آزاداندیش، منتقد و سکولار بر نوگرایی و حتی سنت‌گرایی دینی سنگینی می‌کرد.

اگرچه در روند انقلاب مشروطه جریان‌های مزبور به دلیل اقتضاهای سیاسی باهم ائتلاف کردند، اما اتحادشان بسیار سست و شکننده بود؛ زیرا در عمل، ماهیت سکولار

نظام مشروطه و کشاکش سیاسی و فکری پس از آن، نیروهای مذهبی را به حاشیه راند و آرمان‌های دین‌گرایانه‌ی رهبرهای دینی را تحت الشعاع ایده‌های لیبرال دموکراسی قرار داد. چنان‌که لزوم جدایی دین از سیاست (شرع از عرف یا دین از دولت) به عنوان یک آرمان، مورد دفاع و پشتیبانی جریان‌های سیاسی تندرو از جمله حزب دموکرات قرار گرفت و بسیاری از روحانی‌های دگراندیش هم به این باور تن دادند.

با ناکامی جنبش مشروطه گفتمان «استبداد منور» بر فضای سیاسی و فکری جامعه‌ی ایران سایه انداخت و خود را در چهره‌ی دولت اقتدارگرا و مطلقه‌ی رضاشاه متبلور ساخت. اما این دگرگونی‌ها نه تنها به معنای پایان منازعات فکری و سیاسی نبود، بلکه تکاپوی فکری اندیشمندان ایرانی را در بستری متفاوت به حرکت درآورد و به آن رنگ و بوی تازه‌ای داد که نه تنها در آن زمان، بلکه در روزگار ما هم پدیده‌ای بی‌سابقه و کم‌نظیر است. در این فضا نسلی از اصلاح‌گرهای تندرو یا به تعبیر دقیق‌تر دگراندیش‌های دینی ظهور کردند که مشابه آن تا روزگار ما کمتر تکرار شده است. واقعیت این است که حکومت رضاشاه با گرایش‌های ناسیونالیستی، باستان‌گرایی، اقتدارگرایی، سکولاریسم، غرب‌گرایی در مسیر نوسازی و پیشبرد برنامه‌های اصلاحی خود به جنگ نهادهای مذسبی و سیاسی شافعی تا صورت‌بندی جامعه‌ی ایران را تغییر دهد، ارتش مدرنی پدید آورد، نظام آموزشی و قضایی جدید را جایگزین نظام سنتی پیشین کند، نیروهای اجتماعی ماقبل مدرن رجاء روحانیت، ایلات عشایر و نخبگان سنتی را درهم بکوبد و نظام اداری و اجرایی - مدیریتی را بی‌افکند.

افزون‌براین، حکومت رضاشاه همگام با این برنامه، تلاش کرد تا سیاست‌های اتحاد لباس، کشف حجاب، برگزاری آزمون برای طالبان و عمال محدودیت در راه آموزش‌های دینی مثل لزوم اخذ جواز لباس و عمامه و... را اجرا درآورد. بدین‌سان دولت رضاشاه حوزه‌ی عمل و میدان نفوذ روحانی‌ها را بیش از پیش محدود کرد و قدرتش را به شدت کاهش داد. در نتیجه، تعداد روحانی‌ها کم شد و قلمرو فعالیت‌های سنتی آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی آموزش و قضا یا از میان رفت یا به شدت تحت نظارت و مداخله‌ی دولت قرار گرفت. برنامه‌ی اصلی رژیم این بود که کارکرد دین را به حوزه‌ی روابط خصوصی انسان و خدا محدود کند و از نقش اجتماعی دین و روحانیت بکاهد.

حکومت رضاشاه کنار تنگناهایی که برای روحانی‌ها ایجاد می‌کرد، میدان تازه‌ای برای فعالیت نیروهای دگراندیش دینی گشود که در مسیر کاملاً متفاوتی از روحانیت سنتی حرکت می‌کردند. این نیروها با نقد پاره‌ای از باورها، رفتارها و اعمال شیعیان از لزوم بازاندیشی آشکار در آن‌ها سخن گفتند و خواستار زدودن پیرایه‌ها و خرافه‌های دینی شدند. آن‌ها در آثار و گفتارشان تفسیرهای عقلانی و جدیدی از دین و آموزه‌های آن ارائه کردند. هدف آن‌ها این بود که دین را با آنچه دنیای جدید اقتضا می‌کند - به‌ویژه با روش‌های علمی، عقلانیت و سکولاریسم - تطبیق دهند. آن‌ها این اهداف را با نگارش آثار متعدد و ورژن‌ها از رهگذر انتشار مطبوعات تحقق بخشیدند و در این مسیر از حمایت حکومت برخوردار شدند.

این جریان دگراندیش در دو بستر فکری و اجتماعی متفاوت شکل می‌گرفت: نخست ازسوی روشن‌فکرهای سکولار و دوم ازسوی روحانی‌های نوگرا. بدهی است این رویکردها پیشینه‌ای دراز در تاریخ فکر دینی اسلام و ایران داشت - اما بدون آنکه متعرض این پیشینه‌ی پر بار شویم - معتقدیم که نقطه آغاز این جریان در دوره‌ی مورد بحث ما نخست مجله‌ی «کاوه» بود که بعدها با نشریاتی چون «آینده» و «ایران‌شهر» و سپس مجلاتی چون «پیمان» و «پرچم» کسرون دنبال شد. جریان دوم که خاستگاه حوزوی و روحانی داشت، با انتشار خاطرات یحیی دولت‌آبادی موسوم به «حیات یحیی» و «خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی» آغاز و با انتشار مجله‌ی «نمایون» و نگارش آثار شریعت سنگلجی و... ادامه یافت. ما هر یک از جریان‌ها را جداگانه در یک کتاب مستقل به گفت‌وگو خواهیم گذاشت.

البته جریان‌های یادشده برخلاف خط فکری مشخصی که دنبال می‌کردند، نقاط مشترک فراوانی داشتند که مهم‌ترین آن راززدایی از دین و توسعه‌ی عرفی‌شدن یا دنیاگرایی بود. همچنین هر دو جریان در تحکیم مبانی فکری و نوسازی حکومت رضاشاه از یک سو و تضعیف دین و روحانیت سنتی ازسوی دیگر موضع مشترکی داشتند و با تفسیرها و اندیشه‌های خود رویاروی جریان اصلی روحانیت عهد رضاشاه - که حوزه‌ی علمیه‌ی قم به رهبری آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری نماینده‌ی اصلی آن بود - قرار گرفتند. بدین‌سان روحانیت سنتی و اصیل به علت تنگناهایی که با آن دست‌وپنجه نرم

می‌کرد، تا شهریور ۱۳۲۰ و عوض شدن اوضاع قادر نبود در برابر آن واکنش نشان دهد. با توجه به آنچه گفته شد، مسئله‌ی اصلی و به تبع آن هدف این پژوهش طرح آراء، دغدغه‌ها و دیدگاه‌های انتقادی در حوزه‌ی دین از مجله‌ی کاوه تا آثار احمد کسروی است. در واقع این پژوهش در صدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مهمترین نقدهای منتقدان دینی به باورها و رفتارهای مذهبی ایرانی‌ها در آستانه‌ی کودتای ۱۲۹۹ تا نخستین سال‌های پس از سقوط رضاشاه چه بود و آن‌ها چه راه‌حلهایی برای عبور از بحران تفکر دینی آن عصر ارائه می‌کردند؟ مهم‌ترین محورهای اصلاح دینی از نگاه آن‌ها چه بود؟

به همین منظور پژوهش حاضر می‌کوشد با روش کتابخانه‌ای، داده‌های مورد نیاز خود را فراهم آورد و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، توصیف مستندی از مهمترین جریان‌های منتقد رفتارها و باورهای دینی یا همان دگراندیش‌های دینی ارائه دهد، دیدگاه‌ها و نظراتشان را شناسایی و دسته‌بندی کند و دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های دینی‌شان را در متن بحولات سیاسی-اجتماعی بازتاب دهد تا کاستی‌ها و توانمندی‌های آن آشکار شود و دین‌پژوگان به کمک با آسیب‌شناسی جریان‌های یادشده، راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر هموار کنند.

بدین‌سان، منظور از دگراندیش دینی، تلاش برای انجام اصلاحات گسترده و عمیق دینی است که با هدف انطباق دین با اقتضای دنیای جدید صورت می‌پذیرد و درحقیقت معنایی جز سازگاری با مدرنیته و تمدن و دستاوردهای نظری و عملی آن ندارد. در این عرصه، دین به حوزه‌ی زندگی خاص انسان محدود می‌شود و از حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بازمی‌ماند و درنهایت آن آرمان اصلاح زندگی این جهانی را کنار می‌نهند و دین به روند سکولاریسم و سکولاریزاسیون تبدیل می‌شود و راه پذیرش دموکراسی، علم، فناوری و عقل‌گرایی را هموار می‌کند. البته این دگراندیشی از دو زاویه‌ی متفاوت شکل می‌گرفت: نخست، تفسیر درون‌دینی توسط روحانی‌ها و دوم، تفسیر برون‌دینی بود که توسط روشن‌فکرها انجام می‌شد.

البته جریان دگراندیشی دینی مطرح‌شده در این کتاب که از مرحله‌ی نقد رفتارها و باورهای دینی با مجله‌ی کاوه آغاز می‌شود و در پایان توسط کسروی از مرحله‌ی

نقد دین‌ها به مرحله‌ی براندازی دین‌های موجود و طرح دیانتی جدید گذر می‌کند، هرگز به معنای ایجاد یک خط سیر تکاملی یا پیوند فکری و معنایی میان جریان‌های یاد شده نیست؛ زیرا نمی‌توان همه‌ی آن‌ها را از منظر روش‌شناسی و رویکردهای دینی در یک قالب مشخص جای داد.

اما آنچه روشن است، این است که منتقدان دینی معرفی شده در این کتاب در جهتی مغایر با جریان جاری و سنتی دین و متولیان آن گام برمی‌داشتند؛ به عبارت دیگر آن‌ها هر عمل و ارزشی را شایسته‌ی نقد و بررسی‌های انتقادی می‌دانستند و در این راه از بسیاری از خند قرمزها عبور می‌کردند و در طرح دیدگاه‌های خود به مراتب تندروتر از تواندیش‌ها و اصلاح‌گرای روحانی و غیرروحانی بودند و چنان با صراحت و جسارت با باورها و رساله‌های دینی درمی‌افتادند که از منظر جامعه‌ی دینی و رهبران آن اساساً غیرقابل تحمل می‌شدند و حتی به ضدیت با دین و بیرون رفتن از چارچوب متداول مذهبی متهم می‌شدند. نتیجه، آن‌ها در برابر جریان رایج دینی همچون دو قطب مخالف عمل می‌کردند و بیهوده نبود که یکدیگر را دفع می‌کردند. تاکنون مطالعه و بررسی این جریان - به دلیل نگرانی‌های احتمالی ناشی از طرح مجدد اندیشه‌های دگراندیش‌های دینی - با دشواری‌ها و حتی بی‌میلی‌های فراوانی همراه بوده است. به همین خاطر، ادبیات پژوهشی این موضوع چنان غنی و پربار نیست؛ زیرا تاکنون تحقیق شایسته و مستندی با هدف طرح تأملات انتقادی دین‌گرایانه‌ی دگراندیش‌های دینی انجام نشده است. البته نباید پژوهش‌های «باش‌دگیز و درخور توجهی را که تاکنون درباره‌ی دیگر ابعاد اندیشه و عمل دگراندیش‌های دینی انجام یافته است، نادیده گرفت.

با توجه به آنچه گفته شد، ادبیات پژوهشی این موضوع (یعنی دگراندیشی دینی دوره‌ی رضاشاه و بررسی‌های انتقادی در قلمرو رفتارها و باورهای دینی این دوره) از چند صفحه فراتر نمی‌رود؛ با آنکه تاکنون آثار فراوانی درباره‌ی مجله‌ی کاوه، ایرانشهر و آینده نوشته شده است اما نقدهای این گروه «برلنی‌ها» به باورها و رفتارهای مذهبی ایرانی‌ها مورد کاوش قرار نگرفته است. شاید در این میان، ادبیات پژوهشی درباره‌ی کسروی از همه غنی‌تر باشد؛ زیرا درباره‌ی کسروی آثار محققانه‌ی

متعددی نگاشته شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب‌هایی چون «کسروی و تاریخ مشروطه» اثر سهراب یزدانی، «جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری دوره‌ی پهلوی» اثر سیمین فصیحی، «قتل کسروی» اثر ناصر پاکدامن، «سیری در اندیشه‌ی سیاسی کسروی» نوشته‌ی حجت‌الله اصیل، «نقد آثار کسروی» اثر عبدالعلی دستغیب، «تحقیق در تاریخ عقاید: شیخیگری، بابیگری، بهائیگری... و کسروی‌گرایی» اثر یوسف فضایی، «علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین» اثر داریوش رحمانیان، و همچنین مقاله‌های پروانه آبراهامیان و مانند آن‌ها اشاره کرد. افزون‌براین، درباره‌ی دیگرانیش‌ها یک رشته رساله‌های دانشگاهی نگارش یافته است که در متن این اثر به برخی از آن‌ها استناد شده است.

بدیهی است که پژوهشگران یادشده هرگز در صدد انجام پژوهش مستقل و گسترده‌ای در بابی تأملات دینی دگرانیش‌های دوره‌ی رضاشاه نبوده‌اند و فقط به اقتضای موضوع، نگاه اجسالی و گذرایی به پاره‌ای از این جریان‌ها انداخته‌اند. از این‌رو، شاید اندک نوآوری این پژوهش، در نگاه به پدیده‌ی دگرانیشی دینی و معرفی خطوط اصلی و سرفصل‌های اندیشی آن‌ها نهفته باشد.

به همین منظور این تحقیق در سه بخش سازمان‌دهی شده است: بخش اول در دو فصل مجزا به نقد برون‌دینی و ذهن‌فکرهای سکولاری چون سیدحسن تقی‌زاده در مجله‌ی «کاوه» و محمود افشاریزدی در مجله‌ی «آینده» پرداخته است. از آنجا که اندیشه‌های دینی حسین کاظم‌زاده‌ی ایرانشهر در مجله‌ی «ایرانشهر» وسعت و تنوع بیشتری دارد، بخش دوم را به معرفی و ارزیابی ایده‌ها و اختصاص داده‌ایم. در واقع، این دو بخش می‌کوشند آراء، رهیافت‌ها و نظرگاه‌ها و مضامین مندرج در این نشریه‌ها را درباره‌ی دین و رفتارها و باورهای دینی ایرانی‌ها بررسی کنند.

بخش سوم و چهارم تفکر دین‌پژوهی و دین‌آوری احمد کسروی را بررسی می‌کند. او به این دلیل متفکری دین‌پژوه است که همچون اندیشمندی بین‌الادیانی به اتحاد ادیان می‌اندیشد و به این دلیل دین‌آور است که خواهان برافتادن همه‌ی دین‌های موجود و بسط آیینی جدید به نام پاک‌دینی است؛ زیرا او همه‌ی دین‌ها را انباشته از خرافه‌ها و ناسازگار با علم، عقلانیت و اقتضاهای دنیای جدید می‌پندارد. از این‌رو او را به‌عنوان

منادی اتحاد ادیان الهی موجود و پیام‌آور جدید معرفی کرده‌ایم. بی‌تردید به بار نشستن این مجموعه حاصل همکاری و همراهی جمعی از دوستان و سروران ارجمندم بوده است که در همین جا لازم می‌دانم از آن بزرگواران یاد کنم و از زحمات‌های فراوانی که در مسیر این پژوهش متحمل شده‌اند، قدردانی کنم. در آغاز از حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدهادی خامنه‌ای، رئیس محترم پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام که امکان انجام این پژوهش را فراهم آوردند، سپاسگزارم. همچنین مراتب تسکین و تسکین خود را به آقای دکتر عباس برومند اعلم، مدیر محترم گروه تاریخ جریان‌ساز فکر، جهان اسلام و همکاران محترمشان آقایان دکتر زهیر صیامیان و جناب آقای خلیل قویدا، برآز می‌دارم. کنار این بزرگواران مراتب احترام و ارادت خاص خود را به محضر جناب آقای دکتر داریوش رحمانیان، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، تقدیم می‌کنم؛ شخصیتی که با منش علمی ویژه خود هم زحمت نظارت علمی این پژوهش را بر عهده داشتند و هم با راهنمایی‌های عالمانه‌شان ضمن آگاه کردن این جانب نسبت به کمالات و معجزات علمی این اثر بسیاری از خطاهایم را نادیده گرفتند.

از دوست بزرگوارم جناب آقای دکتر حسن حسینی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران که همواره مستقیم و غیرمستقیم از معروض زحمات‌هایم در امان نبوده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم. در پایان از همسر ارجمندم که محلی آرام برای انجام این پژوهش فراهم کردند و در تایید آن مرا یاری دادند، از صمیم دل قدردانی می‌کنم.

علم‌افزایی ملایمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - مهرماه ۱۳۹۳